

خط سفید روزنامه نگاران، امتیاز ناروا یا تبعیض مثبت؟

تبسم نمازی، دبیر پیشین انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران



اینترنت آزاد حق همه مردم است اما روزنامه نگاران در شرایط نابرابر در اولویت قرار دارند. روزنامه نگاران به عنوان منتقدان جدی فیلترینگ با وجود در اختیار داشتن سیم کارت سفید از پیشگامان مقابله با نظام فیلترینگ بوده اند. همان ها بودند که بیشترین فشار را بر دولت برای رفع فیلترینگ آورده اند این همه مطلب و یادداشت علیه فیلترینگ و مافیای فیلتر شکن فروش ها از سوی چه کسانی جز روزنامه نگاران نگاشته شده است؟ این همان اثر تبعیض مثبت است.

این روزها، بحث اینترنت بدون فیلتر یا همان سیم کارت های سفید، داغ است و آخرین واکنش به این موضوع هم دستور رئیس جمهور مبنی بر سیاه شدن این سیم کارت ها بود با این استدلال که " بفهمند ان هایی که سیم کارت هایشان سفید نیست چه بلایی سرشان می آید ".

اما در این میان تفاوت وضعیت اینترنت روزنامه نگاران با مقام های دولتی و حکومتی نادیده انگاشته شد. گویی هر دو طیف از یک وضعیت برخوردارند.

در واقع رفع فیلتر اینترنت روزنامه نگاران همزمان با فیلتر شدن اپلیکیشن تلگرام از سوی یک مقام ناصالح قضایی رقم خورد. در آن زمان دولت وقت تصمیم گرفت تا با ایجاد میدان های شغلی مثل اساتید دانشگاه، محققان و روزنامه نگاران و توسعه این میدان ها بتواند دامنه فیلترینگ را کوچک کند اما همان زمان هم گروهی در خارج از کشور و با حمایت احساسی برخی از فعالان فضای مجازی در کنار گروه های تندرو داخلی با توصیف این تلاش به طبقاتی شدن اینترنت در کشور کوشش کردند تا تلاش دولت در دور زدن فیلترینگ را ابرتر کنند. در واقع تلاش اینان صرفا ایجاد تقابل دولت و ملت است و چندان دغدغه شان تبعیض و رانت نیست.

امروز که بحث سیم کارت های سفید بسیاری از فعالین در فضای مجازی مطرح شده، گروهی، روزنامه نگارانی را هم که از اینترنت بدون فیلتر استفاده می کنند را همسان با مقام های حکومتی و متهم به استفاده از رانت کرده اند در صورتی که موقعیت روزنامه نگاران با دیگران به کلی متفاوت است.

در نظریه های جدید توسعه، مفهوم عدالت اجتماعی از حالت صرفاً اقتصادی فراتر رفته و به عرصه های اطلاعات و ارتباطات نیز گسترش یافته است. یکی از ابزارهای دستیابی به عدالت ارتباطی، سیاست های تبعیض مثبت است؛ یعنی دادن امتیاز یا فرصت های ویژه به گروه هایی که نقش کلیدی در تحقق توسعه و حیات اجتماعی دارند اما در ساختار موجود با محدودیت مواجه اند. در این چارچوب، دسترسی خبرنگاران به اینترنت بدون فیلتر را می توان مصداقی روشن از تبعیض مثبت دانست که هدفش تقویت شفافیت، آگاهی عمومی و تسهیل نظارت اجتماعی بر قدرت است..

جان رالز در نظریه ی عدالت خود بر اصل «تفاوت» یا Difference Principle اشاره می کند یعنی نابرابری زمانی موجه است که به نفع اقشار کم برخوردار یا به سود کل جامعه باشد. اگر دسترسی آزاد خبرنگاران به منابع اطلاعاتی جهانی منجر به بهبود کیفیت اطلاع رسانی، افزایش شفافیت و تقویت وجدان عمومی شود، این نوع نابرابری را می توان مطابق با اصل رالزی موجه و اخلاقی دانست. زیرا اثر نهایی آن به سود عموم مردم است، نه فقط گروهی خاص.

نانسی فریزر عدالت را در دو سطح بازتوزیع اقتصادی و بازنشانی فرهنگی تعریف می کند. او معتقد است که گروه هایی که نقش نمادین یا گفتمانی در جامعه دارند، گاه نیازمند دسترسی ویژه به منابع ارتباطی اند تا بتوانند نظام معنایی غالب را نقد کنند. در همین راستا، روزنامه نگاران برای ایفای نقش بازتاب گر و منتقد در فضای عمومی به آزادی اطلاعات بیشتری نیاز دارند، و این آزادی به صورتی هدفمند باید از طریق تبعیض مثبت حفاظت شود.

حال بینیم اینترنت بدون فیلتر خبرنگاران و روزنامه نگاران چگونه فراهم شد:

نخست آنکه این اینترنت به درخواست وزارت ارشاد از وزارت ارتباطات در اختیار روزنامه نگاران قرار گرفت. به عبارت دیگر این درخواست از سمت جامعه مطبوعاتی اتفاق نیفتاد؛ بلکه وزارت ارشاد به عنوان وزارتخانه متولی امور رسانه ها بر اساس نیازسنجی شغلی؛ تلاش کرد تا این امکان را برای مجموعه تحت نظارتش فراهم آورد و مسیر آن نیز بدین گونه بود که مدیران رسانه ها و انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران به عنوان تنها نهاد صنفی تخصصی در این حوزه، اسامی روزنامه نگاران متقاضی را به این وزارت خانه ارسال می کردند و سپس وزارت

ارتباطات با تایید وزارت ارشاد اقدام به رفع فیلتر سیم کارت روزنامه نگاران و خبرنگاران می کرد. به دیگر سخن روزنامه نگاران خود هیچ گونه ارتباطی با نهادهای حاکمیتی برای گرفتن چنین امتیازی نداشتند. آنها نه لابی می کرده اند و نه در پستو اینترنتشان بدون فیلتر می شده است.

دوم همانگونه که اشاره رفت این سفید شدن سیم کارت ها، در یک فرایند اداری و شفاف انجام شده است. همان زمان، هم وزارت ارشاد این خبر را در رسانه ها منتشر کرد و هم انجمن صنفی روزنامه نگاران آن را اعلام کرده و از همکاران رسانه ای خواسته بود تا در صورت تمایل به دریافت این امتیاز، درخواست خود را به دبیرخانه اعلام کنند؛ یعنی این موضوع امری پنهانی نبوده که در لابی های حکومتی انجام شده باشد که حالا دیگران فهمیده باشند که ای وای روزنامه نگاران رانت گرفته اند. اما آنچه عجیب است داستان روزنامه نگارانی است که امروز اعلام می کنند که نمی دانسته اند اینترنتشان سفید است یا اینکه نمی دانسته اند که این امتیاز سالهاست که در اختیار همکارانشان قرار دارد.

اگرچه این توضیح را هم باید داد که با روی کار آمدن دولت سیزدهم فیلترها به اینترنت بسیاری از روزنامه نگاران دوباره بازگشت. اینترنت بدون فیلتر برای روزنامه نگاران مستقل، تنها در اختیار تعداد محدودی از سردبیران باقی ماند.

سوم آنکه در این مدت بسیار گفته شد که اینترنت وسیله کار روزنامه نگاران است برخی گمان می برند که وقتی از اینترنت بدون فیلتر برای این قشر صحبت می شود، مسئله فقط ورود بدون نیاز به فیلترشکن است در حالیکه فیلترشکن اگر اهمیتی داشته باشد، در درجه دوم قرار دارد. در درجه اول مسئله دسترسی به اینترنت، در بازه های زمانی است که اینترنت کشور کلاً به دلایل امنیتی قطع می شود؛ وگرنه برای روزنامه نگاران هم امکان استفاده از فیلترشکن های رایگان فراهم است. از حیث سرعت و امکان دسترسی به اینترنت به دلایلی که ما نمی دانیم سیم کارت های سفید سرعت پائین تر و قطعی بیشتری دارند که گاه دارندگانش را پشیمان هم می کند. اما در زمان هایی که اینترنت در کشور به کل قطع می شود، آیا می توان تصور کرد که رسانه ها مثلاً همین صدا و سیما یا خبرگزاری های رسمی کشور قرار است چگونه کار کنند؟ می شود تصور کرد که یک تحریریه بدون داشتن اینترنت در این بازه های زمانی قرار است چگونه تولید محتوا کند؟ همه مشاغل را می توان با شبکه اینترنت داخلی به سختی راه انداخت اما یک رسانه را چگونه می توان با اینترنت داخلی مشغول به فعالیت نگاه داشت؟

اخیرا رئیس جمهور محترم به جای ایفای وعده اش مبنی بر رفع فیلترینگ، دستور داده که اینترنت های سفید را سیاه کنند. عالی است، اما می شود بفرمایند که قرار است هر بار در کشور به دلایل امنیتی اینترنت قطع شد دوباره لیست روزنامه نگاران را دست بگیرند یک به یک دوباره سیم کارت هایشان را سفید کنند؟

هر شغلی ملزوماتی دارد که با بقیه متفاوت است. نمی توان انتظار داشت که چون مثلا مردم عادی دسترسی به فلان دارو را ندارند پس پزشکان هم نباید آن دارو را در اختیار داشته باشند به عنوان مثال در زمان کرونا کادر درمان در الویت دریافت واکسن قرار گرفتند یا مثلا چون مردم عادی اجازه دسترسی به سلاح گرم را ندارند پس نیروهای نظامی هم نباید سلاح داشته باشند. این بدان معنا نیست که مردم عادی نباید به اینترنت آزاد دسترسی داشته باشند. اما روزنامه نگاران به دلیل نیازهای شغلی گاه از امتیازاتی برخوردارند که مردم عادی نیستند؛ مثلا یک روزنامه نگار در منطقه جنگی از جلیقه ضد گلوله ای برخوردار است که کودکان نیستند. از ماسک ضد شیمیایی برخوردار است که مردم عادی در اختیار ندارند.

اینترنت آزاد حق همه مردم است اما روزنامه نگاران در شرایط نابرابر در اولویت قرار دارند. روزنامه نگاران به عنوان منتقدان جدی فیلترینگ با وجود در اختیار داشتن سیم کارت سفید از پیشگامان مقابله با نظام فیلترینگ بوده اند. همان ها بودند که بیشترین فشار را بر دولت برای رفع فیلترینگ آورده اند این همه مطلب و یادداشت علیه فیلترینگ و مافیای فیلترشکن فروش ها از سوی چه کسانی جز روزنامه نگاران نگاشته شده است؟ این همان اثر تبعیض مثبت است.

(ماخذ: خبر آنلاین ۱۷ اذر ۱۴۰۴)

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ انتشار در سامانه کمیسیون: ۱۴۰۴/۹/۱۸